

هو العليم

هدف حج، رسیدن به حقیقت عبودیت

و برخی از احکام حج

بیانات

آیه الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی

قدس الله سرّه

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

وقتی که به بنده فرمودند عده‌ای از رفقا قصد دارند که ملاقاتی بشود. خیلی من اظهار خوش وقتی کردم، و [گفتم] مجلس بسیار مغتنم است و زیارت زوَّار بیت‌الله اقتضا می‌کند که انسان وقت خودش را و فرصت خودش را [مغتنم بشمارد]؛ زیارت افراد خیلی مغتنم است.

و برای خود بنده هم خیلی موجب خوش وقتی است. منتهی مطالبی که باید خدمت رفقا عرض بشود، عرض شده است. منتهی اگر قرار بر این است که کسی سؤالی داشته باشد، چه راجع به مطالب مربوط به جنبهٔ باطنی و معنوی و روحانی، و چه مسائل شرعی، بنده در خدمت رفقا هستم. و مطالبی را که به نظر قاصر می‌رسد براساس همان کیفیت و

ممشایی که از بزرگان نسبت به این مسئله به یاد دارم
عرض می‌کنم. و ظاهراً این [سؤالات] هم مطالبی
است که راجع به مسائل شرعی و [معرفتی] است که
حال به اینها می‌پردازیم.

عنایت الهی در زیارت خانه خدا

از باب مقدمه عرض کنم که: ما باید این توفیقی
که نصیب زائرین بیت‌الله می‌شود را مغتنم بشماریم،
یعنی مسئله زیارت حج و زیارت بیت‌الله و پس از
آن زیارت معصومین علیهم السّلام در مدینه - و یا
قبل از آن، از این نظر تفاوتی ندارد - یک موهبت
الهی است! موهبتی است که واقعاً خداوند نصیب
عده‌ای می‌کند.

و چقدر مهم است که ما متوجه بشویم که خدای
متعال خواسته است یک قدری ما را متوجه کند،
یک قدری ما را از این تفکرات اعتباری و تخیلات و
توهّمات بیرون بیاورد، یک سری هم به جای دیگر
بزنیم و ببینیم خبرهای دیگری هم هست.

مسئله و زندگی ما فقط در همین حول و حوشِ
صبح سرِ کار بیرون رفتن و شب برگشتن و بعد انس

با اهل و عیال و شریک و رفیق و زندگی را گذراندن،
و در ضمن هم یک نماز و روزه‌ای هم گرفتن و
خواندن [نیست] و مسئله فقط به این برنمی‌گردد!
یک مطالب دیگری هم هست، یک عوالم و حقایق
دیگری هم هست که خدای متعال خواسته است که
اینها را با تغییر و تحوّل به ما بفهماند.

چون اگر ما در زندگی خودمان بودیم، هیچ وقت
اینها را نمی‌فهمیدیم! صبح که از منزل بیرون می‌آییم،
یا به دفتر و کارخانه و مغازه می‌رویم یا به فلان
سازمان و اداره می‌رویم؛ تمام آنچه که در
حول و حوش ما می‌گذرد، مسائل مُنسیّه و
به‌فراموشی‌اندازنده ما از آن مطلب اصلی و مسئله
حقیقی است! چه کسی مثل شخصی از اولیای الهی
پیدا می‌شود که با توجه به این مسائل آن جهت را هم
لحاظ کند و بتواند با یک دست دو وزنه بردارد. و
بتواند در یک حال آن حالت وحدت و حالت انس و
حالت ربط را هم حفظ کند؟! کجا چنین چیزی پیدا
می‌شود؟!

لذا خدای متعال برای ما راهی قرار داده است، که
خود را با جدا کردن از آن محیطی که با او مأنوس

هستیم، بتوانیم این جدا کردن ظاهری را مقدمه‌ای
برای تغییر و تحولات قرار دهیم؛ از زندگی خود
بیرون می‌آییم و وارد جایی و فضایی می‌شویم که
همهٔ انبیاء الهی و پیغمبران گذشته در این فضا
آمده‌اند. الآن [سفر حج] با این وضعیت و کیفیت و
با این نحو از معیشت و پذیرایی وجود دارد، سابق
که این طور نبود! اگر به سیصد سال پیش برگردیم،
به دویست سال پیش برگردیم، در آن موقعی که
هیچ کدام از وسایل امروزی وجود نداشته است؛
گرمای شصت درجهٔ مگه را در نظر بیاوریم، بدون
اینکه پنکه‌ای بوده باشد! باران و بادهای آن موقع را
در نظر بیاوریم، بدون اینکه یک وسیلهٔ نقلیه و ماشین
و وسایل امروزی بوده باشد! مردم چطور بین مدینه
و مگه را طی می‌کردند؟ با الاغ و شتر و یا پیاده طی
می‌کردند!

الآن مسائل به این کیفیت و به این نحو آسان و
سهل است. تمام سختی مگه فقط همان دو سه روزی
است که انسان به عرفات و بعد به مشعر و منی
می‌رود که آه و نالهٔ او هم به فلک می‌رسد: «ای وای

چه شده است! ای داد به کجا رسیده است!»
درحالی که در سابق عرفات این طور نبود، این
درختان و آب نبود، این وضع نبود! مشعر و منی
این طور نبود! خب ما باید به این مطلب فکر کنیم که
خداوند ما را در جایی آورده است که همه انبیا با آن
مراتبشان و با آن مسئله و وضعیتهایشان و با آن شناخت
و معرفتشان باز به اینجا می آیند، باز می آیند و در
همین جا طواف می کنند.

حج از نظر اهل بیت و اولیای الهی

امام حسن علیه السلام بیست و پنج مرتبه زیارت
خانه^۱ خدا کرد. و بسیاری از آنها پیاده بود! یعنی
حضرت از مدینه تا مکه را پیاده طی می کردند،
درحالتی که مرکب جلوی ایشان بود! خب واقعاً امام
چه مسئله ای را احساس می کند؟ جایی که امام
علیه السلام چنین حال و هوایی دارد! امام سجاد با آن
وضع پیاده به مکه می رفت، موسی بن جعفر پیاده به
مکه می رفت و آن حضرت را در بین راه مکه پیاده
دیده بودند، امام رضا علیه السلام و سایر ائمه

^۱. جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب اسرار ملکوت، ج ۱، ص ۱۵۰.

همین طور؛ خود رسول خدا پس از آمدن از مکه
فرمودند:

چون مرا از مکه بیرون کردند دیگر به عنوان
خانه و سُکُنِی نمی گزینم ولی نمی توانم از کعبه
دل بکنم!^۱

و این معنا، خیلی معنای عجیبی است که پیغمبر
می فرماید: «چون مرا از مکه بیرون کردند دیگر
به عنوان خانه و سُکُنِی نمی گزینم ولی نمی توانم از
کعبه دل بکنم! حضرت چند مرتبه به حج آمدند؛
حضرت بعد از آمدن به مدینه چند مرتبه به مکه آمدند
که آخرین آن همین حَجَّةُ الْوَدَاع بود که مأمور به
نصب ولایت برای امیرالمؤمنین علیه السَّلام شدند!
حالا خداوند توفیق داده است که ما به چنین جایی
مشرّف شویم.

بنابراین اوّل چیزی که باید ما در نظر بگیریم این
است که فکر خود را از ارتباط با آن محیط بیرون
بیاوریم و هرچه بیشتر بیرون بیاوریم بیشتر کاسبی
کرده ایم! اما اگر بلند شویم و بیرون بیاییم و مدام

^۱ . التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السَّلام، ج ۱، ص
۴۵۵.

صبح، عصر، شب تلفن کنیم، فردا تلفن کنیم، نه! دیگر از آن محیط بیرون آمده‌ایم؛ بنده نمی‌گوییم که انسان قطع کند، نه! گاهی تلفن بزند و اشکالی ندارد، بالأخره برای آنها تجدید خاطراتی می‌شود، برای افراد موجب انبساطی می‌شود؛ اما باید فکر آزاد باشد! خدا دوست ندارد کسی که به زیارت خانه او می‌رود، فکرش را هم با آن تعلّقات با خودش بیاورد و همراه با آن تعلّقات طواف کند و در لبّیکی که می‌گوید تعلّقات باشد! وقتی که ما از منزل بیرون می‌آییم باید بگوییم: خدایا ما آمده‌ایم، دیگر هرچه در کاسه ما ریختی، ریختی! دیگر ما جدا شده‌ایم، دیگر از آن شراکت جدا شده‌ایم.

علت پوشیدن یک لباس خاص در حج

لباس احرام حکایت از همین مطلب می‌کند و همین طوری نیست که ما لباس را دریاوریم و لباس احرام بپوشیم! خب خدا می‌گفت با همین کت و شلوار و یا با همین عبا و قبا هم می‌توانی مُحَرَّم بشوی و منظور نیت است! نه، منظورِ خدا در اینجا این است که واقعاً بیرون بیاییم، واقعاً جدا بشویم، لباسمان را هم بکنیم و دور بیندازیم، این لباس به‌درد

اینجا نمی خورد! و اگر می شد که انسان برهنه لبیک بگوید، خدا همین احرام را هم برمی داشت! همین احرام را هم برمی داشت و همین مقدار تقید هم برمی داشت! ولی خب دیگر این نمی شود.

کیفیت احرام زنان در حج

لذا خداوند آمده و همه تعینات را در اینجا برداشته است؛ گفته است مرد باید احرام بپوشد، اما لباس احرام زن فرق می کند؛ جمال و ارزش زن در چهره او تبلور پیدا می کند، باید این چهره نمودار باشد و نمی تواند بپوشاند! بعضی از این مقدّس ها هستند که در آنجا می آیند و روی خودشان را می پوشانند! نه خیر، این غلط است و باطل است؛ باید چهره زن پیدا باشد. مرد وظیفه ندارد و حرام است نگاه کند، اما نه اینکه زن [روی خود را بپوشاند!] یا بعضی ها می آیند و چیزی جلوییشان می گذارند که آن چهره مشخص نباشد! این هم باطل است و این هم غلط است. مقدّس مآبی در اینجا راه ندارد، انسان باید دینی را برگزیند که او اختیار می کند، ما دیگر نباید کاسه داغ تر از آش بشویم، او می گوید باید

چهره را نشان بدهی! مرد وظیفه ندارد نگاه کند و اگر نگاه کند کار حرام انجام داده است و آن به جای خود! بله، زن می تواند صورت خود را برگرداند و این اشکال ندارد؛ وقتی می بیند که [مورد] توجه مردها است یا ممکن است در جایی [مورد توجه قرار بگیرد]، می تواند صورت را برگرداند یا سر را پایین بیندازد. اما اینکه بخواهد بپوشاند نه خیر! مطلب به این کیفیت نیست. خلاصه خدا در اینجا گفته است: از خودت دین درست نکن! آن دینی را که من گفته ام، همان را انجام بده!

من در بعضی از این رساله های عملیه خوانده ام که گفته اند:

طواف مستحب انجام ندهید، چون ممکن است در حین طواف بین زن و مرد تماس پیدا بشود و تماس حرام است! بنابراین طواف مستحب باطل است و باید انسان به همان طواف واجب اکتفا کند.

نه خیر! این فتوا باطل است و هیچ صحّت ندارد و هیچ منبع شرعی ندارد و من در آوردی است و انسان باید در آنجا طواف کند؛ اگر تماس حرام است، دیگر فرقی بین واجب و مستحب ندارد و خدا

باید طواف واجب را هم بردارد! انسان باید طواف کند، مستحب است؛ هزار بار، ده هزار بار، صد هزار بار، هرچه بود! اگر تماس پیدا شد، شد؛ و اگر تماس پیدا نشد، نشد؛ ما نباید در آنجا خود را در معرض تماس قرار دهیم. اینکه خصوص زن باید کنار برود، تفاوت نمی کند! در آنجا بین مرد و زن فرق نمی کند؛ اگر تماس برای زن حرام است، برای مرد هم حرام است و هیچ فرقی نمی کند.

یکی از مسائلی که مرحوم آقا راجع به اینکه حرم امام رضا را بستند می فرمودند [این بود]:

این کار غلط است. باید افراد دوز حرم امام رضا طواف کنند؛ حال اگر به همدیگر برخورد می کنند، برخورد نکنند! نباید توجه داشته باشند؛ نه اینکه بیایند و حرم را ببندند به نحوی که جلوی طواف گرفته شود!

آیا شیطان در همه جا هست؟

این را چه کسی می فهمد؟ آن کسی که ولیّ خدا است و می داند در اینجا چه خبر است! اگر قرار بر این است که شیطان باشد، شیطان هم در حرم امام رضا است و هم در مکه است، در همه جا هست. این

پول‌هایی که سُرّاق^۱ از جیب‌ها در حرم می‌زنند، برای چیست؟! به‌خاطر شیطان است دیگر! این نگاهی که ممکن است در حرم نسبت به یک نامحرم بیفتد برای چیست؟! به‌خاطر وسوسه شیطان است!

نباید بگوییم چون اینجا حرم امام رضا است پس اینجا شیطان نیست! نه‌خیر، شیطان آنجا هم هست، شیطان آنجا هم می‌آید و حضور خودش را رسماً اعلام می‌کند؛ در کعبه هم همین‌طور است، در مسجدالحرام هم همین‌طور است، در مسجدالنّبی هم همین‌طور است، همان شیطان می‌رود جلو می‌ایستد و نماز می‌خواند و همه هم به او اقتدا می‌کنند! این‌طور نیست؟ معاند و دشمن امیرالمؤمنین امام جماعت می‌شود و بعد هم بقیه به او اقتدا می‌کنند؛ این شیطان است دیگر! اصلاً به تمام قیافه او نگاه کنی، شیطنت می‌بارد و کدورت و ظلمت سراپای وجود آنها را گرفته است و انسان غیر از لقلقه لسانی چیزی از آنها مشاهده نمی‌کند. این به‌خاطر این است که دست آنها از امیرالمؤمنین کوتاه است، از ولایت

۱. دزدها

کوتاه است؛ به دنبال هوای دنیا است. بدبختی دنیا و آخرت را برای خودشان خریده‌اند!

بنابراین انسان نباید به این مطالب توجه کند. انسان می‌تواند طواف را همه وقت انجام بدهد و بین مستحب و واجب فرق نمی‌کند؛ منتهی نباید توجه بکند، باید انسان در موقع طواف ذکر بگوید، توجه به کعبه داشته باشد، توجه به الله داشته باشد، اصلاً ذهنش را نباید بیاورد که الآن کنار و جلو و عقب او کیست و با چه کسی طواف می‌کند! اصلاً نباید این مطالب در ذهن بیاید.

تأثیر سفر حج بر انسان

مسئله اساسی این است که ما از تمام افکار بیرون بیاییم و نیاز نیست که به خدا فکر کنیم، همین قدر فکر نداشته باشیم و فکرمان جای دیگر نباشد، خدا خودش در آنجا می‌آید! مدام به خدا فکر کردن فایده‌ای ندارد، نتیجه ندارد، ما می‌خواهیم به چه چیز خدا فکر کنیم؟ چیزی ندارد! خدا می‌گوید خودت را از تعلقات بیرون بیاور من به جای آن وارد می‌شوم! پس ما در مگه، در اعمال و در موارد مختلف [باید

خود را از تعلقات بیرون بیاوریم!] البته حالات در عرفات و [جاهای دیگر] تفاوت پیدا می‌کند. همان‌طور که بنده عرض کردم رفقا توجه کنند و با توجه به نوارهایی که راجع به این مسئله است،^۱ اگر مطلبی بود و به نظرشان رسید، مسئله را بفرمایند. آنچه که در موقع احرام و در موقع طواف و در مسجدالحرام و به‌طور کلی، در یک بینش کلی برای یک زائر بیت‌الله مهم است، این است که دیگر در آنجا واقعاً برای خود حساب باز نکند! از این حساب‌هایی که در این دنیا بوده و توقعاتی که در نفس خود پرورانده و با آن توقعات زندگی کرده است؛ توقع دارد به او سلام کنند، توقع احترام دارد، توقع دارد وقتی که می‌آید بلند شوند و به او جا بدهند تا بنشیند، توقع دارد وقتی که می‌آید، راه را باز کنند؛ واقعاً تمام این توقعات خیالی و پوچ و بی‌ارزش را کنار بگذارد! اولیای الهی و سُلَاک و زائرین واقعی بیت‌الله بودند که [تمام این توقعات خیالی و پوچ و بی‌ارزش را کنار گذاشتند].

۱. رجوع شود به نرم‌افزار آوای ملکوت، جلسات اسرار و مناسک حج.

آقا شیخ محمد بهاری در حج

در سفری که مرحوم آقا شیخ محمد بهاری رفته بود، ایشان به گونه‌ای در کاروان بود که تا آخر سفر کسی نفهمید که این آقا شیخ محمد بهاری است! به زوَّار خدمت می‌کرد، برای آنها چایی می‌آورد و ...؛ مرحوم آقا شیخ محمد دیگر! از شاگردان معروف آخوند ملاّحسینقلی همدانی! تمام وقتی که ایشان در مکه بود، آن‌طور بود، مثل یک آدم معمولی، همین لباس عربی می‌پوشید، بدون اینکه عمامه‌ای بگذارد و توجه شخصی نسبت به او جلب شود، مثل یکی از افراد می‌رفت آب می‌آورد، می‌رفت برای شستشوی افراد آب می‌آورد و در کارها کمک می‌کرد. همه افراد کاروان خیال می‌کردند که ایشان یک آدم عادی و مثل بقیه افراد است، می‌خواهد برای خدا خدمت کند؛ وقتی که تمام شد و ایشان هم به نجف آمد، بعضی از آن افراد دیدند که عجب! اصلاً بُهتشان برد که چطور در تمام این مدت کسی نفهمیده بود که این چه شخصیتی است! ببینید، انسان باید این‌طور احرام ببندد، خدا این‌طور زائری می‌خواهد! اما اگر انسان

بخواهد با همان توقعات و با همان تفکرات و با همان نیت‌ها حج انجام بدهد، نصیب او کم خواهد بود.

نکاتی که در سفر حج باید رعایت شود:

زیاد صحبت نکردن

رفقا با افراد خیلی صحبت نکنند، با افراد عادی خیلی حرف نزنند؛ مردم همیشه در حال خودشان هستند و خودتان خواهید دید و دیده‌اید که در مکه هم که شده است چه حرف‌هایی می‌زنند! در جلساتشان چه مطالبی می‌گویند، مردم به چه مطالب پوچی گرفتار هستند و سر چه مطالبی با هم دعوا دارند! واقعاً خیلی حیف است که انسان این چند روز را بخواهد با صحبت با اغیار برای خودش دردسر درست کند و از سهم خود کم بگذارد؛ اگر می‌خواهید صحبت بکنید، با خودتان صحبت کنید، لازم نیست از مسائل مختلف و جریان‌ها و مسائل اجتماعی و مطالب مختلف بگویید، سرتان به کار خودتان باشد، از آن فرصت‌هایی که برای شما پیدا شده است استفاده کنید؛ متوجه هستید چه می‌خواهم عرض کنم؟!

مواظبت بر وقوف در عرفات

شب عرفه را قدر بدانید، صبح که می شود بلند شوید و بروید جایی و گوشه‌ای برای خودتان بنشینید و به گناهان و به خطاها و به لغزش‌ها [فکر کنید؛] روز عرفه خیلی مهم است! خیلی مهم است! بروید گوشه‌ای برای خودتان [بنشینید] بدون اینکه با این و آن صحبتی کنید و مسائل مختلف وقت شما را بگیرد و حال شما را از بین ببرد؛ خودتان را باید از آن روز برای بعد از ظهر عرفه آماده کنید، باید از صبح آن روز آماده کنید، نگذارید افکار مختلف بیاید و شما را از آن حال و هوا دریاورد! روز، خیلی روز مهمی است؛ همه چیز روز عرفه است و در روایت داریم:

«الْحَجُّ عَرَفَةٌ؛^۱ اصلاً تمام حج روز عرفه است!»

متوجه حساسیت حال و هوا و زمان و مکان باشیم و ادعیه‌ای که در آنجا وارد است و انسان می تواند به ادعیه پردازد؛ اگر حال دعا خواندن ندارد

۱ . عوالی اللآلی، ج ۲، ص ۹۷، به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم.

برود یک گوشه بنشیند و فقط فکر کند، فقط به خودش مشغول باشد، به رحمت پروردگار نگاه کند، به عظمت پروردگار نگاه کند، به ناچیزی خودش نگاه کند، به این همه درد و مصیبت و گرفتاری که برای خودش درست کرده است و برای او درست کرده‌اند نگاه کند! بگوید: خدایا من واقعاً می‌خواهم دیگر از این گرفتاری بیرون بیایم، نمی‌خواهم وقتی که از مگه برمی‌گردم فرد سابق باشم، می‌خواهم یک فرد جدید و با یک روحیه جدید باشم؛ خدا هم او را کمک می‌کند! راست بگوییم، صدق داشته باشیم، خدا کمک می‌کند.

مگر همین امروز فرمودند! ابن‌سمّاک به آن شخص می‌گوید:

[خدای متعال می‌فرماید:] کسی که یک وجب به سمت من بیاید و به سمت من اقبال کند، من ده وجب به سمت او می‌آیم!^۱

۱. إحياء علوم الدين، ج ۳، ص ۹؛ من تقرب إلى شبراً تقرب إليه ذراعاً...؛ اسرار ملکوت، ج ۳، ص ۲۷۱: محمد بن الحسین - رحمه الله - گفت: معروف را به خواب دیدم، گفتم: خدای عزوجل با تو چه کرد؟ گفت: «مرا پیامرید.» گفتم: به زهد و ورع؟

گفت: «نه، به قبول یک سخن که از پسر سمّاک شنیدم به کوفه که گفت: "هر که به جملگی به خدای تعالی بازگردد، خدای عزوجل به رحمت بدو

کسی که اقبال نکند، ما هم اقبال نمی‌کنیم؛ ما این قدر افراد خلق کرده‌ایم که به سراغ آنها برویم و دست آنها را بگیریم! خیال نکنید حالا اگر ما به سمت خدا نرفتیم کار خدا کساد است! نه خیر آقا، خیلی هم آباد است! آباد!! هیچ نیازی به ما ندارد، هیچ! ابد! می‌گوید صد هزاران مثل تو برفتند پی کارشان! اصلاً نیم‌نگاهی هم به شما نمی‌کند! اما نه، هستند افرادی که به ما روی می‌آورند و ما هم با تمام وجود به آنها روی می‌آوریم.

اظهار عجز و بندگی

بنابراین این معنا را در روز عرفات بگوییم که ما در دستگاه خدا حساب نداریم! برای خودمان دکان‌داری نکنیم و کتاب و مکتب راه نیندازیم و با کوله‌بار به آنجا نرویم. آنجا متاعِ بی‌چیزی می‌خرند، متاعِ عبودیت می‌خرند، متاعِ ندانم‌کاری می‌خرند، متاعِ پشیمانی و توبه می‌خرند، آنجا این طور است.

باز گردد و همهٔ خلق را بدو بازگرداند. “سخن او در دل من افتاد و به خدای بازگشتم و از جملهٔ شغل‌ها دست برداشتم، مگر خدمت علی بن موسی الرضا [علیهما السلام].»

این سخن او را گفتم. گفت: «اگر بپذیری این تو را کفایت.»

اگر بخواهیم با خودمان [چیزی] ببریم، آنجا خریدار ندارد! آنجا این مسائل خریدار ندارد و چه بسا ممکن است افرادی که برحسب ظاهر خیلی دارای عنوان هستند و حتی عناوین دینی و الهی دارند، چندان به آنها توجه نمی‌شود! اما به فردی که گوشه و کنار است و سر به زیر است و خیلی مطرح نیست و هیچ‌کس به او اعتنا نمی‌کند، به او توجه می‌شود! خلاصه، آنجا چنین حساب و کتابی است.

پس رفقا که در این مدت با مکتب بزرگان آشنا شده‌اند، خودشان می‌دانند که دیگر کم‌کاری خسارت است! حالا که ما مطلب را فهمیدیم و مسئله را یافتیم و حقیقت مطلب به دست آمده است، دیگر اگر بخواهیم وقت خود را به مطالب متفرقه و این طرف را دیدن و آن طرف را دیدن و حرف‌های اجتماعی و این چه کرد و آنچه کرد و آنجا چه خبر است و اینجا چه خبر است بگذرانیم [موجب خسارت است!] رفقا، دیگران گذراندند و خسارت آن را هم دیدند و صدها سال بر این قضیه گذشت و تاریخ هم چنان می‌گذرد! زرنگ و رند و کیس آن کسی است که بیاید و تجربه افراد خاسر را دیگر

دوباره تجربه نکند؛ بلکه به همان مطالبی که بزرگان فرموده‌اند عمل کند تا اینکه خودش نتیجه را ببرد و آنچه را هم که برای ما بیان می‌کند گواه و تأیید همین مسئله است.

پرسش و پاسخ

حال آن [سؤالاتی] را که الآن رفقا دادند را ببینم که در چه حدی است و برحسب فرصت در وقت اگر مطلبی به نظر می‌رسد خدمت رفقا عرض می‌کنم.

نماز جماعت در حج

سؤال: در مورد نمازهای واجب که شما فرمودید به صورت فردی ولی در صف آنها باشید، نظر جنابعالی به این صورت بهتر است یا اینکه به صورت فردی و به تنهایی بخوانیم؟

جواب: نه، بهتر این است که اگر چنانچه در موقع نماز با آنها هستیم، همان نماز را به آن شکل بخوانیم، یعنی نیت اقتدا نمی‌کنیم و فقط در فعل اقتدا می‌کنیم، یعنی او به رکوع می‌رود انسان هم به رکوع می‌رود، او بلند می‌شود انسان هم بلند می‌شود، ولی

فرادی می‌خواند! و ما آن حمد و سوره را آهسته بدون اینکه مخالف با تقیه باشد انجام می‌دهیم.

سؤال: آیا در مسجدالحرام و مسجدالنّبی نمازهای مستحبی، نماز حضرت امیرالمؤمنین یا فاطمه زهرا را می‌توانیم بخوانیم یا فقط نمازهای یومیّه واجب؟

جواب: نه، اشکال ندارد؛ می‌شود هر نمازی را خواند.

سؤال: آیا می‌توانیم نوافل را هم بخوانیم؟

جواب: بله، نوافل را هم می‌شود در آنجا خواند. البته رفقا این را بدانند که در هر جای مکه و مدینه می‌شود نماز را تمام خواند و این طور نیست که فقط اختصاص به مسجدالنّبی داشته باشد! در هر نقطه از مدینه، چه مدینه قدیم و چه مدینه جدید [نماز تمام است] و حتی توسعه پیدا کرده است، به خصوص در مکه! مکه قدیم و جدید ندارد و این مسئله در مورد احرام هم هست؛ ما می‌توانیم از هر نقطه از مکه محرم بشویم، هم مکه قدیم و هم مکه جدید، هر دوی آنها از این نقطه نظر تفاوتی نمی‌کند. حالا بعضی‌ها احتیاط می‌کنند که در همان مکه قدیم که

نزدیک مسجدالحرام است احرام ببندند، آن مطلبی است؛ ولی اگر نشد اشکالی ندارد. در تمام مکه نماز تمام است، گرچه انسان می‌تواند قصر هم بخواند، ولی تمام است. در تمام مدینه هم نماز تمام است و اختصاصی به مسجدالنّبی ندارد. و خصوصیتی در مکه هست و رفقا این مطلب را بدانند که دیگر در مکه، جلو بودن مرد شرط نیست و این فقط اختصاص به مکه دارد! اگر مرد جلوی زن باشد، یا زن جلوی مرد باشد و یا مساوی باشند، هیچ‌کدام اینها تفاوتی نمی‌کند؛ لذا هم مردها و هم خانم‌ها می‌توانند با خیال راحت در مسجدالحرام چه نماز واجب و چه نماز مستحبی خود را بخوانند و در صورتی که زن هم جلوی آنها باشد هیچ اشکالی ندارد! این فقط مخصوص مکه است و مدینه این‌طور نیست؛ باید در مدینه لحاظ شرایط بشود.

قرآن خواندن در حج

سؤال: خواندن قرآن که تأکید زیادی شده است، آیا با توجه به معنا بخوانیم؟ که در این صورت وقت بیشتری لازم است و ممکن است یک جزء یا بیشتر

نتوانیم بخوانیم؛ یا اینکه یک جزء کامل بدون معنا بخوانیم؟ کدام بهتر است؟

جواب: نه، توجه زیاد به معنا نکنید؛ بلکه در آنجا نفس خواندن قرآن ملاک است و این نحوه قرآن خواندن با آن قرآن یومیهای که رفقا میخوانند فرق می کند.

زیارت کعبه و حضرت رسول و ائمه

سؤال: آیا برای زیارت ائمه و حضرت رسول باید اذن دخول را بخوانیم؟

جواب: بله؛ بهتر است که انسان اذن دخول را بخواند.

سؤال: نماز زیارت ائمه بقیع قبل از زیارت خوانده شود یا بعد از آن و در کجا خوانده شود؟

جواب: نماز زیارت بعد از زیارت است و انسان در هر جا بخواند اشکال ندارد؛ انسان می تواند ائمه بقیع را زیارت کند و بعد بیاید در خود مسجدالنبی نماز زیارت بخواند. خوب نیست که انسان پشت بقیع - چطور اینکه مشاهده می شود! - نماز بخواند، چون این موجب صحبت است و چهره خوبی هم ندارد و موجب ازدحام و... است و حق هم دارند.

سؤال: ادب حضور در عرفات و منی و زیارت حرم مطهر رسول و خانه خدا را بفرمایید.

جواب: مطالب عرض شده است و دیگر نیاز به توضیح نیست.

سؤال: به محض دیدن کعبه افضل است که چه چیزی بخوانیم؟

جواب: چیزی لازم نیست! انسان لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و الله أكبر بگوید.

محرمات احرام

سؤال: استفاده از پماد یا کرم به علت ناراحتی پوستی در حال احرام چگونه است؟

جواب: بهتر است که پماد و کرم معطر نباشد، و اگر حتماً زدن پماد یا کرم معطر الزامی است، در این صورت بهتر است که بعد از اعمال - چه در آنجا و چه در اینجا - یک گوسفند به فقرا بدهد؛ البته بهتر است و واجب نیست! در صورتی که برای او [مانعی] باشد واجب نیست، بلکه بهتر است.

غار حراء و جبل الرحمة

سؤال: رفتن روی کوه در عرفات چه صورت

دارد؟ بهتر است بالا برویم؟

جواب: نه خیر، رفتن بالای کوه در عرفات کراحت دارد؛ سَنی‌ها بالا می‌روند. بهتر است که انسان رو به قبله در سمت چپ بایستد و دعای روز عرفه را آنجا بخواند. خلاصه رفقا باید ارج و قیمت آنجا را خیلی بدانند.

سؤال: رفتن به غار حراء چه صورت دارد؟

جواب: خوب است! خیلی خوب است و اگر کسی می‌تواند، برود؛ آنجا متذکر جایگاه پیغمبر و آن حالات و خصوصیات بشود و خلاصه ارتباط برقرار کند. خیلی خوب است. البته بهتر است که انسان صبح قبل از طلوع فجر برود، چون بعد از طلوع فجر دیگر کم‌کم شلوغ می‌شود و زیاد افراد می‌روند؛ بهتر است در آن موقع برود تا اینکه به شلوغی آنجا برخورد نکند.

شک در طواف

سؤال: اگر در بین طواف در تعداد دوُر‌ها شک

کردیم تکلیف چیست؟

جواب: انسان باید در مورد طواف به حد متیقّن رجوع کند. البته اگر برای انسان قبل از نیم‌دوُر کامل،

یعنی قبل از سه شوط و نیم شک پیدا شود و نتواند به هیچ وجه شک را برگرداند، باید طواف را از اول شروع کند؛ و اگر بعد از سه دور و نیم است به همان حد متیقّن عمل می کند و به آن مقداری که یقین دارد عمل می کند و طواف را ادامه می دهد.

احکام غسل

سؤال: آیا با یک غسل می توان چند نیت کرد؟

جواب: بله، ایرادی ندارد.

سؤال: غسل طواف کفایت از وضو می کند؟

جواب: بله، کفایت می کند و احتیاج به وضو

نیست.

ذکرهای مربوط به ایام حج

سؤال: اگر ممکن است راجع به ذکرهای مربوط

به این ایّام و هم چنین آیۀ سوره بقره که در نوارهای

قبلی فرموده بودید و قابل شنیدن است، دوباره

توضیح بفرمایید.

جواب: این مطالب را بنده عرض کرده ام و

چندمرتبه هم عرض کرده ام. ذکرهای این ایّام، یکی

اذکار توحیدیّه حضرت موسی است، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، و

در مفاتیح هم نوشته شده است و ایرادی ندارد که انسان آنچه را که در آنجا هست بخواند.

سؤال: در مکه و مدینه در ایّام غدیر کجا و به چه کاری اشتغال داشته باشیم بهتر است؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند. آنجا و اینجا ایرادی ندارد. بهتر است که انسان در همان اماکن متبرّکه باشد.

احکام بانوان در حج

سؤال: آیا می‌توان قبل از رفتن به عرفات، یعنی حدود روز پنجم تا ششم ذی‌الحجّه اعمال طواف نساء را انجام بدهیم؟ تا اگر عذر حاصل شد اعمال را [انجام داده باشیم].

جواب: نه‌خیر، انسان باید صبر کند و بعد انجام دهد؛ جایز نیست که قبل انجام بدهد.

سؤال: اگر ممکن است حضرت‌عالی نظرتان را نسبت به حکم شرعی مصرف قرص‌های ضدّ بارداری بفرمایید.

جواب: نیازی به مصرف این قرص‌ها نیست، بلکه بهتر است انسان همان‌طوری که خداوند برای زن تقدیر کرده است، همان‌طور انجام بدهد. بنده

تضمین می‌کنم اگر کسی این قرص‌ها را نخورد به اندازه سر سوزنی از ثواب او کاسته نخواهد شد و طبق دستور انجام داده است و انسان بدون هیچ‌گونه مشکلی می‌تواند آنها را انجام بدهد! چرا انسان از آن مسیر طبیعی و مجرای طبیعی که خداوند تقدیر کرده است بیرون بیاید و چرا برای خودش تکلیف جدیدی درست کند و بخواهد دلخواه انجام بدهد؟! خداوند گفته است که باید زن به این قسم تکالیفش را انجام بدهد؛ احرام نیازی به طهارت ندارد، رفتن در صفا و مروه نیازی به طهارت ندارد، رفتن به عرفات و مشعر و منی و رمی نیازی به طهارت ندارد؛ فقط آنچه که احتیاج دارد طواف و نماز طواف است، همین! دیگر سایر امور احتیاج به طهارت ندارد؛ و آن هم انسان می‌تواند به تأخیر بیندازد و انجام بدهد، اگر چنانچه تا وقت حرکت توانست انجام بدهد انجام بدهد، وإلاّ شخصی را نائب می‌کند و از طرف او انجام می‌دهد. علی‌کلّ حال وقتی مطلب به این سهلی است، چرا انسان بخواهد خود را گرفتار کند و بخواهد تکلیف خود را عوض کند؟ پس بهتر این

است که انسان از این قرص‌ها استفاده نکند و آنچه را که خداوند برای او تقدیر کرده است، همان را بپذیرد که اگر قرار باشد عنایت و موهبتی از جانب خدا باشد، پس بهتر است که انسان امور را به خود او واگذار کند تا بتواند به فیض بیشتری نائل باشد.

سؤال: شوهرم بنده را امر کرده است که قبل از فرا رسیدن اعمال حج واجب بنده شروع به خورن قرص‌های ضدبارداری کنم تا رضایت ایشان جلب شود!

جواب: رضایت خداوند بر رضایت شوهر مقدم است.

سؤال: اگر خانمی مُحرم بود و عذر شرعی برای او پیدا شد و وقت داشته باشد که خودش اعمالش را انجام دهد، آیا به علت سختی مُحرم بودن، می‌تواند نائب بگیرد و یا بهتر است صبر کند و خودش اعمالش را انجام بدهد؟

جواب: اصلاً جایز نیست که نائب بگیرد و حرام است! وقتی کسی می‌تواند صبر کند، باید صبر کند. مُحرم بودن که سختی ندارد، چیزی نیست! پوشش خانم‌ها هم که همان پوشش معمولی است، چادر و

همین لباس معمولی است که می‌پوشند. اتفاقاً باید ما این را هم بدانیم که هر مقدار وقت احرام در ما بیشتر باشد، فیض بیشتر به انسان می‌رسد! چون انسان خودش را بیشتر در حضور می‌بیند. همین‌که شما احرام بستید، آیا توجه به تحولی که در شما پیدا شده است نمی‌کنید؟ یک تحول و تأییدی [احساس می‌کنید که] با نیم‌ساعت قبلتان فرق کرده‌اید! همین تحول هرچه بیشتر باشد، بیشتر فیض می‌رسد و نتایج آن هم بیشتر خواهد بود. بنابراین طبعاً باید خانم‌ها بیشتر صبر کنند تا اینکه عذرشان برطرف شود و بعد بروند اعمالشان را انجام بدهند. و باید بگوییم که چه سعادت‌ی از این بالاتر که خداوند کاری کرده است که انسان خودش را بیشتر در حال حضور احساس کند!

سؤال: اگر خانمی عادت متغیّر دارد و با یقین بر اینکه مدت عذر او تمام شده است، مثلاً در روز هشتمِ عادتش، اعمال خود را انجام دهد و در روز نهم دوباره آلوده شود، وظیفه او چیست؟

جواب: اگر یقین دارد که روز نهم همان عادت

است، باید اعمالش را دوباره تکرار کند.

سؤال: در مورد سنّ یائسگی، چه سنّی می باشد؟

جواب: سنّ یائسگی برای هاشمی و غیرهاشمی

متفاوت است؛ پنجاه سالگی و شصت سالگی برای

غیرهاشمی و برای هاشمی است. ولیکن اگر انسان

به واسطه مرض یا به واسطه طبیعت خود فرد به حدّی

برسد که دیگر اوقات عادت برای او منتفی شود، سنّ

یائسگی او همان خواهد بود! اگر از سی سالگی یا

چهل سالگی یا پنجاه سالگی دیگر خون ندید و این

مسئله قطع شد، برای او همان [زمان] سن یائسگی

است. ولی به طور معمول برای افراد عام،

پنجاه سالگی و افراد سیّد و هاشمی شصت سالگی

است؛ مگر اینکه به واسطه خوردن بعضی از داروها

و تقویت بعضی از غُدد، این سن بالاتر برود و تجاوز

کند، که باز در این صورت سن یائسگی بالا خواهد

رفت. علی کل حال متعارف آن همین قدر است که

عرض کردم؛ ولی بر حسب اختلاف مزاجها و

شواکل و همین طور مسئله داروها و مسائلی که در

طول زندگی برای انسان پیش می آید، ممکن است

تغییر پیدا کند.

سؤال: چنانچه فردی در ایام حج یائسه باشد، چه

حکمی دارد؟ اگر خونی ببیند چه حکمی دارد؟

جواب: طبعاً باید استحاضه بگیرد و نماز و

طواف او صحیح است و می‌تواند داخل در

مسجدالحرام بشود، منتهی باید احکام استحاضه

قلیله و متوسطه و کثیره را در اینجا رعایت کند.

سؤال: با توجه به نوارهای جنابعالی، در وقوف

در مشعر و جمع کردن سنگ‌ها از مشعر، بعضی از

کاروان‌ها این اجازه را به خانم‌ها نمی‌دهند که حتی

از اتوبوس پیاده شوند تا هم چند قدم راه بروند و یا

سنگ جمع‌آوری کنند؛ تکلیف چیست؟

جواب: در این حال اگر محرمی در خود کاروان

دارند می‌توانند از آن محرم استفاده کنند و بگویند از

مشعر برای ما سنگ جمع کن، اشکالی ندارد! و فردا

که روز منی است این سنگ‌ها را به او تحویل بدهند

که برود سنگ بزند و رمی کند؛ و یا اگر نمی‌توانند،

آن سنگ‌ها را به نائب بدهند که از طرف آنها رمی

کند. اگر شوهر دارند، برادر دارند، محرم دارند، و یا

حتی آشنایی دارند - ممکن است یک مرد آشنایی

باشد - برای او هم سنگ جمع کنند. سنگ جمع کردن از مشعر بسیار مستحب است و رفقا این را ترک نکنند! الآن می گویند از خود مکه سنگ جمع کنید! رفقا بدانید سنگی که از مکه جمع می کنند چون از حرم خارج می شود اشکال دارد! چون انسان نباید سنگ حرم را از حرم خارج کند؛ گرچه نیت او این است که بعد دوباره برگرداند و در منی رمی کند، ولی خارج کردن سنگ از حرم حرام است! می گویند سنگ را در مکه، از همان کوه های نزدیک خیابان هایی که فاصله دارد جمع کنید و حتی می گویند سنگ ها را هم بشکنید! شکستن سنگ کراهت دارد و آن سنگی که برای رمی است نباید شکسته باشد و باید سالم باشد، یعنی همین قدر که شکسته نباشد؛ و اندازه آن هم به اندازه یک نخود باشد کافی است! بیشتر نباشد که موجب اذیت دیگران و ایذاء آنها هم نشود. و بهتر است که سنگ ها سنگ های مُنقَش باشد، یعنی نقطه نقطه باشد. و این سنگ ها از مشعر جمع شود! بیرون بردن سنگ به عرفات، چون عرفات خارج از حرم است، شرعاً ایراد دارد! بنابراین رفقا از مکه سنگ جمع

نکنند، بلکه از مشعر سنگ جمع کنند و حتی از خود منی هم می‌شود! اگر کسی از مشعر نمی‌تواند، از خود منی جمع کند، البته نه سنگ‌هایی که استعمال شده است، نه! سنگ‌ها باید بکر باشند و استعمال نشده باشند. انسان می‌تواند از همین بیابان‌های خود منی هم سنگ‌ها را جمع کند! در مشعر بهتر است و خوب است که انسان به افراد دیگر توصیه کند که برای او جمع‌آوری کنند.

سؤال: در مورد خانم‌هایی که عذر دارند و شما فرمودید از یک درب مسجد شجره وارد و از درب دیگر خارج شوند، با توجه به شلوغی مسجد نمی‌شود از یک درب وارد و از درب دیگر خارج شد و به‌خاطر زیادی جمعیت ممکن است در آنجا وقوف حاصل شود؛ لطفا توضیح دهید.

جواب: نه، آن‌قدر شلوغ نیست که این کار را هم نشود کرد! نه‌خیر، انسان می‌تواند این را انجام بدهد و جمعیت خیلی آن‌چنان نیست و تا به حال سابقه نداشته است که به این حد باشد که انسان نتواند انجام بدهد! علی‌کلّ حال اگر هم نشد، همان محوطه

و محیط مسجد شجره هم برای احرام کفایت می کند
و آن افرادی که عذر دارند می توانند در همان خارج
از مسجد شجره مُحَرَّم بشوند؛ زیرا در احرام، توقف
در خود آن نقطه به خصوص شرط نیست، بلکه
محاذی با آن هم برای احرام بستن کفایت می کند.

سؤال: اگر زن در میقات حائض باشد و می داند
که تا پایان وقت عمره تمتع پاک نمی شود، به چه
نیتی مُحَرَّم شود؟

جواب: نیت فرق نمی کند و نیت، همان نیت
احرام و همان نیتی است که همه می کنند.

سؤال: اگر زمان حج فرا برسد و در عذر باشد چه
نیتی کند؟

جواب: در آن موقع، آن احرام متبدل به حج
می شود بدون نیت دیگر! همان احرام او متبدل به
حج می شود، بعد می رود و اعمال حج و عرفات و
منی و مشعر را انجام می دهد و بعداً می آید اعمال آن
عمره را به اضافه اعمال حج انجام می دهد و هیچ
اشکالی هم پیش نمی آید.

سؤال: آیا زن به صرف اینکه پس از پایان هفت
روز از حیض در ظاهر و لباس پاک باشد، همین

کفایت می کند یا اینکه باید بررسی هم کند؟

جواب: نه، اگر وقت او مشخص است و عادت

او عادت وقتیّه است، به صرف اینکه پاک شد کفایت

می کند و تفحص و ... هم لازم نیست.

نماز میت در حج

سؤال: نماز میتی که آنها بر مرده هایشان بعد از

نماز واجب می خوانند، ما در آن وقت چه کار کنیم؟

جواب: شما می توانید در همان وقت نماز میت

را اقتدا کنید، ایراد ندارد.

احکام و آداب متفرقه حج

سؤال: باید طواف و سایر اعمال برای اطاعت

خداوند انجام شود و از ریا و خودنمایی به دور باشد،

حال اگر قصد ما از انجام عمل ریا نباشد، یعنی در

نیت عملمان این نیست که در نماز یا طواف یا سایر

اعمال عبادی ریا کرده، ولی همیشه در هنگام انجام

عمل این مسئله با ما همراه است که نکند ریا شود و

گاه از ترس اینکه نکند این مسئله ریا باشد حتی

برعکس نماز را سریع تر انجام می دهیم!

جواب: در اینجا نباید انجام بدهیم؛ خود همین

تصوّرِی که در موقع نماز می‌کنیم شیطان است! یعنی همین که تصور می‌کنیم: «نکند ریا باشد!» خودش شیطان است! بنابراین نفس تصور باطل است و تند خواندن نماز هم باطل است و هرچه را که بر آن مترتب است همه باطل در باطل در باطل است! به محض اینکه این تصور می‌شود که: «نکند ریا باشد!» باید بدانیم که این تصور را شیطان انداخته است و نباید توجه کنیم و باید دنبال اعمال و دنبال کارمان باشیم.

سؤال: آیا لازم است که به هر کدام از محل‌های مقدّسه، اعم از مسجدالحرام و طواف به‌دوَر آن یا سعی و عرفات رسیدیم، به اسرار باطنی هر محل و هر عمل نیز فکر کنیم و خود را متمرکز در آن کنیم یا فقط به خدا فکر کنیم؟

جواب: عرض کردم؛ نه، نیاز نیست که انسان مدام فکرش را نسبت به این قضایا [متمرکز کند!] اگر بداند که خوب است، بالأخره این مطالب را هم در ذهن به‌همراه داشته باشد؛ اما اینکه فقط بنشیند و ذهنش را متمرکز کند و خودش را به اذیت بیندازد، نه! ما به این کیفیت تکلیف نداریم.

سؤال: فرمودید که انسان [وقتی که] از مگه برمی‌گردد، این حالت را با خودش نگه دارد؛ در ارتباط با دیگران چه کار کنیم؟ هرچقدر که ارتباطمان را با دیگران کم کنیم ولی در مورد دیدار پدر و مادر که سفارش شده است، [ولی] غیبت می‌کند و از مسئله غیبت ناراحت هستیم؛ چه می‌شود؟

جواب: دیگر بنده متعهد مطالب و ارتباطات افراد نیستم! آنچه را که بنده عرض می‌کنم، آن چیزی است که به نظر می‌رسد و پیاده کردن این مطالب دیگر بر عهده بنده و امثال بنده نیست. انسان باید حال خودش را حفظ کند، دیدن پدر و مادر هم لازم است، حالا آنها غیبت می‌کنند لازم نیست که انسان برود با غیبت آنها همدم بشود و دو تا هم خودش روی آن بگذارد! آنها در آن مجلس غیبت می‌کنند، انسان یک سلامی می‌کند و یک علیکی می‌کند و مدتی می‌نشیند و بلند می‌شود می‌آید! این رفتن و همرنگ شدن و نشستن باعث می‌شود که انسان کدورت پیدا کند و آن یافته‌های خود را از دست بدهد؛ و انسان می‌تواند ترتیبی بیندیشد تا اینکه کمتر

در معرض این گونه مسائل قرار بگیرد. علی‌کلّ حال انسان باید ارزش و قیمت این حالات را بداند و خلاصه، به این زودی و به این مجّانی اینها را از دست ندهد.

سؤال: نماز شب عرفه چگونه است؟ شکسته

است یا کامل؟ ظهر عرفه به چه صورت است؟

جواب: آنچه را که فعلاً در عرفات انجام می‌دهند

و بنده دیده‌ام، نماز را تمام می‌خوانند؛ به این لحاظ

که می‌گویند: «وقتی ما به مکه می‌آییم، قصد مکه و

اطراف می‌کنیم به یک عنوان! بنابراین چون ده روز

می‌مانیم عرفات هم جزء قصد ما حساب می‌شود؛»

ولی این طور صحیح نیست! کسی که در یک جا قصد

کند، حتی اگر ده روز هم مانده باشد وقتی که یک

شب خارج بشود قصد آن ده روز شکسته می‌شود!

البته این نظر همه نیست. بنابراین نماز شب عرفه

تمام است، چون هنوز آن قصد مکه به حال خودش

باقی است؛ ولی وقتی که یک شب را خارج از مکه

به سر بردیم، از فردا نماز شکسته می‌شود! بنابراین

نماز ظهر و عصر شکسته است، نماز مشعر هم

شکسته می‌شود، نماز منی و تمام اینها هم شکسته

می‌شود.

سؤال: فرمودید کسی که می‌تواند پول بدهد باید اسم بنویسد و منتظر رسیدن نوبت برای حج نشود، سؤال می‌کنند که آیا این طوری حقی از دیگران که در نوبت هستند ضایع می‌شود یا در غیر این صورت به چه نحو است؟

جواب: ضایع شدن حق از هر شخصی به هر نحوی باطل است و اگر بخواهد حجّی به این نحو انجام شود، حج او باطل است! یعنی اگر الآن کسی خارج از نوبت برود، چه سفارش و چه غیر سفارش، دیگر ما نمی‌دانیم به چه نحوی است، و این مسئله موجب شود که نوبت افرادی که در نوبت هستند به تأخیر بیفتد، این حج باطل است! بله، اگر شخصی متمکن است و می‌تواند بدون طریق عادی و ظاهری به حج برود، اگر صد میلیون هم شده باید بدهد! این حرف، مطلبی است که بنده عرض کردم؛ کسی که متمکن است ولو یک میلیارد هم بدهد، نمی‌تواند به تأخیر بیندازد و طبق نوبت بخواهد برود! باید برود و خود استطاعت اقتضا می‌کند که حج را انجام

بدهد. بله، اگر از آن طریق نشد و از طریق معمول شد، نباید حق دیگران را تضییع کند! اگر بکند، حجّ او باطل است! باید صبر کند که به نوبت برسد.

سؤال: کمربندی که داده‌اند تا زیر لباس احرام و برای نگه داشتن آن ببندیم و پرس و چسبی است، اشکال دارد یا خیر؟

جواب: نه، اشکالی ندارد.

سؤال: اگر در مکه یا مدینه در هتل نماز بخوانیم، باید کامل خواند یا شکسته؟

جواب: عرض کردم که می‌شود نماز را در مکه و یا مدینه، در هر نقطه آن تمام خواند.

سؤال: آیا می‌توانیم روزه بگیریم؟

جواب: نه خیر، روزه فرق می‌کند؛ انسان می‌تواند در جایی روزه بگیرد که قصد ده روز کند! گرچه نماز تمام است ولی مسئله روزه با نماز فرق می‌کند.

سؤال: در مورد چراغانی کردن و پلاکارد زدن حاجیان پس از بازگشت چه نظری دارید؟

جواب: البته اشکال ندارد و مسئله ایرادی ندارد، ولی امروزه این قضیه و مطلب به چشم و هم‌چشمی و اعتبارات و ... رسیده است و هرچه چراغانی

بیشتر باشد و قربانی بیشتر باشد [بیشتر موجب چشم و هم‌چشمی است!] [الآن به این وضعیت و به این کیفیت است؛ برای اینکه دیگران متوجه بشوند که حاجی آمده است ایراد ندارد، ولی نباید به‌نحوی باشد که تداعی شود این مطلب و قضیه در این باب دارد جلو می‌رود! البته بنده در زمان مرحوم آقا ندیدم که ایشان به کسی توصیه کرده باشند که این کار را انجام بدهد و روی این حساب بهتر است که ما هم دست از این مسائل برداریم.

قربانی در حج

سؤال: آیا اگر خودمان برای قربانی برویم، در رسیدن به سرِّ باطن مؤثر است؟

جواب: قضیه فرقی نمی‌کند؛ البته بهتر است که در وهلهٔ اوّل خود حاجی قربانی کند و اگر نمی‌تواند، دستش را روی دست ذابح بگذارد و خودش [قربانی را] انتخاب کند، همهٔ اینها مستحب است و بهتر است که انسان نیابت ندهد؛ ولی فعلاً با شرایط فعلی کاری جز نیابت نیست! بنابراین خوب است که انسان روی این مسئله خیلی توجه و اصرار نکند.

الآن مسائل فرق و تفاوت کرده است.

شک در اعمال حج

سؤال: آیا با شکّ به اینکه نماز طواف اشکال پیدا

کرده است می‌توانیم دوباره اعاده کنیم؟

جواب: نه‌خیر، اعاده کردن نیاز نیست، بلکه

وسوسهٔ شیطان است! اگر بعد از نماز برای انسان شك

پیدا شود، مثل نماز صبح و مغرب و عشا است و چطور

انسان نباید به شك بعد از نماز اعتنا کند، نماز طواف هم

همین است. این را رفقا بدانند که هیچ فرقی به اندازهٔ

سر سوزنی بین نماز طواف و نماز صبح نیست و يك

سر سوزن تفاوت نمی‌کند! نماز صبح را چطور

می‌خوانیم؟ شك می‌کنیم؟ شبهه می‌کنیم؟ وسوسه و

خیال برای شما پیدا می‌شود؟ نه! نماز را می‌خوانید و

بعد هم می‌روید سر صبحانه یا مشغول سورهٔ یس و

دعای صبح می‌شوید و دیگر هر کسی [به‌دنبال کار

خود است؛] این‌هم همین است و فرقی نمی‌کند! این‌هم

نماز است.

اینکه آمده‌اند نماز طواف را در یک وضعیت

خاصی قرار داده‌اند و غولی از آن درست کرده‌اند،

تمام اینها چرندیات است! چرند در چرند است! صاف دارم خدمت شما می‌گویم! تمام اینها همه خلاف است! نماز طواف عین نماز صبح می‌ماند، حمد و سوره آن همان است، خیلی به خودتان فشار نیاورید! [اینکه متوجه باشید] مخارج را رعایت کنید، همه اینها شما را از خدا دور می‌کند! انسان باید در نماز به خدا توجه داشته باشد! مطلب مرحوم آقا در روح مجرد را خوانده‌اید که آقای حداد چه گفتند؟^۱ همین را در نماز طواف انجام بدهید! نه به «عین» آن نگاه کنید، نه به «ضاء» آن نگاه کنید، نه به «طاء» آن نگاه کنید و نه ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾^۲ را بیچانید و بالا ببرید! تمام اینها [انسان را از خدا دور می‌کند!] بله، باید انسان قرائت خودش را تصحیح کند و این چه در نماز صبح و چه در نماز طواف، در هر دو لازم است! تصحیح کردن قرائت یک مطلب است و انصراف از معنا و توجه به پروردگار به لفظ یک مطلب دیگر است! این باطل است و آن واجب

۱. روح مجرد، ص ۱۶۱ - ۱۶۴.

۲. سوره حمد (۱) قسمتی از آیه ۷.

است؛ انسان باید مخارج را صحیح ادا کند، انسان باید الفاظ را صحیح ادا کند، اما نه اینکه موقع مکه به خاطر مسائلی و به خاطر ترس از چیزهای دیگری تازه به یادش بیفتد و بخواهد سراغ الفاظ و سراغ مخارج حروف و ... برود! نه خیر، همین الآن هم لازم است که ما الفاظ را تصحیح کنیم و تجویدمان را تصحیح کنیم و مخارج حروف را بشناسیم و تمام اینها برای نماز لازم است؛ ولی نماز طواف هیچ فرقی به اندازه سر سوزن ندارد! در موقعی که می خواهید نماز طواف بخوانید فقط به خدا توجه کنید و بس! اینکه چه دارید می گوید و حمد را چطور خواندید و ... تمام اینها همه وساوس شیطان است. و هرچه هم بیشتر طول بکشد بهتر است، سوره های بزرگ بخوانید، البته اگر اقتضا می کند، و الا در آنجا شلوغی و ... برای سوره های کوچک هم مجال نمی دهد که انسان بخواند! ولی علی کل حال اگر کسی جایی پیدا کرد و سوره ای که می خواند بزرگ تر باشد چه بهتر! در قنوت هر دعایی که دلتان می خواهد بکنید، خیلی با حالت باز و با حالت گسترش، فقط و فقط توجه به پروردگار [داشته باشید] و بدون وسوسه خاطر و

بدون تشویش و بدون تردید [به اعمال پردازید] و بدانید که تمام اینها به جای اینکه شما را به خدا نزدیک کند دارد دور می کند! حقیقت مسئله همین است.

سؤال: آیا می توانیم برای وضو به جای اینکه آب روی دستمان بریزیم، دستمان را زیر شیر آب بگیریم و بعد مسح بکشیم؟

جواب: ایراد ندارد.

سؤال: مقداری وجوهات شرعیه بدهکار هستیم، بعد از حساب کردن چقدر برای پرداخت آن وقت داریم؟

جواب: دیگر هر کسی خودش می داند.

بهترین عمل برای پدر و مادر

سؤال: بهترین عمل برای پدر و مادری که از دنیا رفته اند چیست؟

جواب: بهترین عمل این است که انسان آنها را در عمل خودش شریک قرار بدهد؛ یعنی بگوید خدایا، ثوابی از این اعمال من برای آنها هم بفرست! انسان بهتر است برای آنها دعا کند، انفاق کند، کمک

به فقرا کند، نماز بخواند، طواف انجام بدهد، اینها اموری است که ثواب و نتایج آن به آنها عائد خواهد شد.

سؤال: اگر گوسفند را با ماشین آلات برای قربانی سر ببرند چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که «بسم الله» گفته شود ایراد ندارد.

سؤال: اگر کسی تکیه کلامی دارد که دیگران آن را فحش می دانند، ولی قصد او فحش دادن نیست و بی اختیار از دهان او بیرون می آید، آیا باید گوسفند بکشد؟

جواب: نه، نیازی به کشتن گوسفند نیست؛ ولی باید ملاحظه کند که آن تکیه کلام را عوض کند و مراقبت کند تا اینکه این عادت برای او تغییر پیدا کند.

چه وقت حج واجب می شود؟

سؤال: این جانب از رفقای طهران هستم و شوهر بنده امسال عازم خانه خدا هستند و به جای پدر شوهرم می روند (یعنی به جای پدرشان می روند)، پدر شوهر بنده پارسال اول دی ماه به رحمت خدا

رفته است و امسال که نوبت مشرف شدن ایشان به اتفاق همسرشان بود، قسمت ایشان شده است؛ بفرمایید وظیفه شوهر بنده چیست؟

جواب: اگر برای شوهر ایشان حج واجب شده است، جایز نیست از طرف پدرشان بروند و باید اول خودشان بروند! این فردی که می خواهد از طرف پدر به مکه برود، در صورتی می تواند نیابت از طرف پدر داشته باشد که یا خودش مستطیع نباشد و یا اینکه قبلاً حج را انجام داده باشد؛ اگر شخصی امسال مستطیع است، نباید از طرف پدر برود! اگر برود هم حج پدرش و هم حج خودش باطل است؛ یعنی نه به حساب پدرش حساب می شود و نه به حساب خودش حساب می شود. اگر منظور از این نوشته این است باید این شخص به اتفاق همسرشان همان حجی را که نوشته اند و ثبت نام کرده اند بروند.

سؤال: در ضمن نمی توانند برای پدرشان نائب بگیرند، زیرا مبلغ هشتصد الی یک میلیون تومان برای نیابت از پدر شوهرم می خواهند و این برای شوهرم سنگین است؛ بفرمایید تکلیف چیست؟

جواب: از اینجا معلوم می‌شود که حج برای خود ایشان واجب است و خود ایشان ثبت‌نام کرده‌اند! نه خیر، نباید ایشان از طرف پدرشان بروند و باید از طرف خودشان به اتفاق همسرشان به حج بروند؛ بعد اگر مستطیع شدند از طرف پدرشان هم در سال‌های آینده به نیابت بروند و انجام بدهند (یا خودشان و یا نائب بگیرند).

دیدن امام زمان

سؤال: دستوری که آیا این چشمان ناسوتی می‌تواند جمال زیبای حضرت حجة بن الحسن را مشاهده نماید؟

جواب: ملاقات با امام علیه السلام در اختیار ما نیست، بلکه این مسئله به عنایت خود آن حضرت بستگی دارد. خود آن حضرت با اراده خود و با میل خود، خود را به بعضی‌ها می‌نمایاند و به بعضی‌ها نمی‌نمایاند و انسان نباید به دنبال این باشد که در آنجا بخواهد حضرت را ببیند! عرض کردم که در آنجا فقط باید انسان توجه خود را متمرکز در توحید کند و امام علیه السلام هم از ما همین را می‌خواهد. حال فرض کنید که انسان در آنجا حضرت را دید، خب

چه شد؟ من عکس حضرت را درمی آورم و به همه نشان می دهم، فرض کنید این عکس حضرت است، خب باز هم ما می خواهیم چیز دیگری از حضرت ببینیم؟ خب دیدیم دیگر! خود حضرت در آنجا از شیعیان شان می خواهند همان راهی را بروند که خود ایشان برای کمال و برای تربیت شیعیان شان می خواهند؛ و دستوری که داده شده این است که ما در آنجا در تحت ولایت آن حضرت باشیم و ولایت آن حضرت را که عین توحید است در نظر بیاوریم! اما اینکه دیدن ظاهری را هم قصد کنیم، این را به خود آن حضرت واگذار کنیم؛ اگر عنایت و لطف حضرت شامل حال ما شد، خب حضرت خودشان را یا در ظاهر یا در خواب و یا به وسیله دیگر نشان می دهند؛ هزار راه هست. و اگر نه، باید بدانیم که این مطلب هیچ ارتباطی به مسئله ما و توفیق ما و حجّ ما و قبولی ما ندارد و آن دیگر مصلحتی است که خود آن حضرت در نظر می گیرند.

سؤال: آیا مداومت ذکر شریف «یا عزیز» و «یا

علیم» می تواند ما را کمک کند؟

جواب: بنده اطلاعی نسبت به این مطلب ندارم.

سؤال: موهایی که حلق می‌شود، لازم است که

دفن شود؟

جواب: مستحب است! مستحب است که در

همان منی دفن شود.

هدف از زیارت حج

سؤال: وقتی چشمان ما به حرم مطهر افتاد چه

ذکری را به زبان جاری کنیم؟

جواب: عرض کردم: ذکر لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و اللَّهُ أَكْبَرُ و

لا حول و لا قوّة إِلَّا بِاللَّهِ، این اذکار توحیدیّه و یا صلوات

بر پیغمبر و ائمه علیهم السّلام چیزهایی است که بنده

در این مورد به خاطر دارم و همان طوری که ذکر شد باید

همه توجّهات منحصر به ذات اقدس پروردگار باشد و

همان طور که در مطالب گذشته عرض کردم: مسئله در

مدینه فرق می‌کند، در مکه تفاوت می‌کند و حتی از

مرحوم آقا شنیدم که ایشان می‌فرمودند:

طوافی را که می‌خواهید انجام بدهید، این طواف

را برای پیغمبر انجام بدهید! به آن شخصی هم

که در نیت دارید ثواب خواهد رسید و بیشتر هم

خواهد رسید! ولی طواف‌ها همه برای پیغمبر

باشد، نیت برای رسول خدا باشد، نمازی که می‌خوانید برای رسول خدا باشد؛ عمل در آنجا فقط توجه به خداوند و نیت و ثواب برای رسول خدا است.

این بهترین راهنمایی است که بزرگان نسبت به مطلب کرده‌اند.

خب امیدورایم که إن شاء الله همه رفقا با این هدف و با این نیت و با این خصوصیات حرکت کنند و بروند و وارد این دریا بشوند و خلاصه تا جایی که عمق دارد [فرو] بروند! نترسند! خود را رها کنند! خیال نکنند که آنجا محل برای زیارت بزرگان و اولیای خدا است و ترس آنها را بگیرد که ما در اینجا راه نداریم و ما در اینجا قابل نیستیم! نه، خودشان را رها کنند تا اینکه از آن نعمات الهی بر آنها ببارد، و هرچه بیشتر سعه خود را از آن جذبات و از آن انوار بیشتر کنند و تصور نکنند که این حالات و این جذبات و این جلوات برای عده‌ای خاص است! نه خیر، خداوند این راه را برای همه باز کرده است و انسان باید خودش را در این دریا بیندازد و رها کند تا اینکه بتواند با رها کردن آن طائر وصل را در

آغوش بگیرد که خداوند متعال این سفر را برای این امر اختصاص داده است.

باید کاملاً در موقع مراجعت دقت کنیم، باید آن حال و هوا را حتی الامکان در خودمان حفظ کنیم و ارتباطات را کم کنیم، حتی صحبت غیر حرام را هم کمتر کنیم، چون خود صحبت کردن مدام از مایه می‌برد و مدام از کیسهٔ انسان خالی می‌کند! ولو صحبت‌های عادی باشد! به مسائل حج فکر کنیم، حالاتی که در آنجا برای ما پیش آمده است را مدام در ذهن بیاوریم، شب‌ها وقتی که می‌خواهیم بخوابیم با همان حال و احوال به خواب برویم؛ همهٔ اینها موجب می‌شود که تأثیرات حج و آن بارقه‌ها و جاذبه‌هایی که خداوند برای زوَّار خودش قرار داده است بتواند بیشتر استقرار پیدا کند.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ